



تأثیر محافظه‌کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری بر کاهش ریسک دعاوی حقوقی و حق الزحمه حسابرسی

دکتر غلامرضا کردستانی^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دکتر مصطفی عبدی^۲

استادیار حسابداری، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی روزبه، زنجان

دکتر مهدی کاظمی علوم^۳

استادیار حسابداری (مدرس مدعو)، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

(تاریخ دریافت: ۱۰ تیر ۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۳۹۶)

با افزایش ریسک دعاوی حقوقی، حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. محافظه‌کاری مشروط، ریسک دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهد و از این طریق بر حق الزحمه حسابرسی اثر منفی می‌گذارد. در واقع گزارشگری محافظه‌کارانه و نظام راهبری هر دو در کاهش عدم اطمینان نقش دارند و ارتباط آن‌ها با هم رابطه جایگزینی است، بنابراین هر چه شرکتی از نظام راهبری ضعیف‌تری برخوردار باشد، جهت کاهش ریسک خود به گزارشگری محافظه‌کارانه‌تر روی می‌آورد. در این پژوهش، در ابتدا رابطه محافظه‌کاری مشروط و حق الزحمه حسابرسی آزمون شده و سپس تأثیر نظام راهبری بر ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و حق الزحمه حسابرسی بررسی شده است. بدین منظور داده‌های ۱۴۹۶ سال - شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد تحلیل قرار گرفت. نتیجه برآورد مدل‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری مشروط با حق الزحمه حسابرسی ارتباط منفی دارد و نظام راهبری قوی‌تر، این تأثیر منفی را تضعیف می‌کند. در واقع در شرکت‌های دارای نظام راهبری قوی‌تر، محافظه‌کاری نقش کمتری در کاهش حق الزحمه حسابرسی دارد.

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، محافظه‌کاری مشروط، نظام راهبری، ریسک دعاوی حقوقی.

¹ kordestani@soc.ikiu.ac.ir

² abdi.accounting@yahoo.com

³ mkolum1361@gmail.com

مقدمه

پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه محافظه‌کاری به طور قابل توجهی پس از انتشار مقاله باسو^۱ (۱۹۹۷) رشد داشته و از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته، ولی کمتر به ارتباط محافظه‌کاری مشروط^۲ و حق‌الزحمه حسابرسی^۳ و به‌ویژه تاثیر نظام راهبری^۴ بر این ارتباط پرداخته شده است. در این پژوهش در ابتدا، به بررسی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و ریسک حسابرسی^۵ پرداخته شده و از حق‌الزحمه حسابرسی به عنوان شاخصی از ریسک حسابرسی استفاده شده است.

بنابر "فرضیه ریسک دعاوی حقوقی و حق‌الزحمه حسابرسی"^۶ حق‌الزحمه حسابرسی بوسیله زیاد شدن ریسک دعاوی حقوقی، افزایش می‌یابد و کاهش در هزینه‌های دعاوی که در نتیجه محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی است، حساب‌رسان را مجاز به تعدیل حق‌الزحمه حسابرسی می‌کند [۲۶] و این بدین معناست که محافظه‌کاری مشروط بیشتر، می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های دعاوی حقوقی حساب‌رسان گردد. سپس تاثیر تعدیلی کیفیت نظام راهبری بر ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و حق‌الزحمه حسابرسی بررسی شده است. لی^۷ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند، نظام راهبری با کیفیت‌تر، منجر به کاهش ریسک حسابرسی شده و باعث می‌شود که محافظه‌کاری در سطح بالاتر، اثر کمتری بر کاهش حق‌الزحمه حسابرسی داشته باشد و در نتیجه گزارشگری محافظه‌کارانه و نظام راهبری هر دو در کاهش عدم اطمینان نقش دارند و ارتباط آن‌ها با هم رابطه جایگزینی است، به این منظور که هر چه شرکتی از نظام راهبری ضعیف‌تری برخوردار باشد، جهت کاهش ریسک خود به گزارشگری محافظه‌کارانه‌تر روی می‌آورد [۲۳].

بر این اساس پرسش اصلی پژوهش این است که آیا نظام راهبری بر ارتباط بین محافظه‌کاری مشروط و حق‌الزحمه حسابرسی تاثیر دارد. در ادامه مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش ارائه می‌شود.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی: ریسک دعاوی

محافظه‌کاری یک ویژگی مهم سیستم اطلاعات حسابداری [۲۳] و همواره اصلی پایدار در حسابداری بوده است [۱۷] که در شرایط عدم اطمینان^۸ مطرح است. به گفته رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) به دنبال افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه‌کاری در گزارشگری مالی

¹ Basu

² Conditional Conservatism

³ Audit fee

⁴ Corporate Governance

⁵ Audit Risk

⁶ litigation risk-audit fee hypothesis

⁷ Lee, Xu Li and Sami

⁸ Uncertainty

افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، سودمندی محافظه‌کاری به عنوان یکی از خصوصیات کیفی صورت‌های مالی مورد تایید قرار می‌گیرد [۴]. واتز و زیمرمن^۱ (۱۹۸۶) در تعریف محافظه‌کاری چنین نوشته‌اند: محافظه‌کاری یعنی اینکه حسابدار باید از بین ارزشهای ممکن برای دارایی‌ها، کمترین و برای بدهی‌ها، بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر [۶ و ۳۰]. محافظه‌کاری در حسابداری گرایش و تمایل برای بکارگیری سطح بالاتری از تاییدپذیری به منظور شناسایی اخبار مساعد، در مقایسه با اخبار نامساعد است [۸]. محافظه‌کاری انگیزه و توان مدیران در دستکاری اطلاعات حسابداری، تقلیل و هزینه‌های نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد [۴]. پژوهش‌های اخیر، محافظه‌کاری را به دو نوع مشروط و نامشروط تقسیم نموده‌اند. باسو (۲۰۰۵) محافظه‌کاری مشروط را تاییدپذیری متفاوت برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها تفسیر نموده، که منجر به کم‌نمایی سود و دارایی‌ها می‌شود [۸]. به گفته قائمی و همکاران (۱۳۹۴) محافظه‌کاری غیرشرطی در زمان شناسایی اولیه انجام می‌گیرد، اما محافظه‌کاری شرطی برای تسریع در شناسایی زیان‌ها و شناسایی با تاخیر سودها بکار می‌رود [۵].

عوامل گوناگونی بر حق‌الزحمه حسابرسی تاثیرگذار هستند، که به گفته دفوند^۲ (۲۰۱۲) محافظه‌کاری عامل موثری بر حق‌الزحمه حسابرسی است [۱۳]. حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۴) بیان می‌نمایند که حق‌الزحمه حسابرسی، بر اساس ریسک برآوردی حسابرس از صاحبکار، رقابت در بازار حسابرسی و مذاکره بین حسابرس و صاحبکار تعیین می‌شود. حسابرس، هنگام برنامه‌ریزی حسابرسی باید خطر تحریف بااهمیت را شناسایی و برآورد کند. این عوامل بر توانایی حسابرس در کشف تحریف با اهمیت در صورت‌های مالی که برای موسسه حسابرسی ریسک عمده و شایان توجه محسوب می‌شود، تاثیر می‌گذارد. معمولاً حسابرسان به منظور کاهش ریسک عدم کشف تحریف با اهمیت، شواهد بیشتری جمع‌آوری می‌کنند که این موضوع سبب افزایش هزینه حسابرسی می‌شود. این هزینه افزایش یافته را می‌توان به صاحبکاران تحمیل کرد [۲]. سیمونیک^۳ (۱۹۸۰) در این رابطه می‌گوید با افزایش ریسک حسابرسی، حسابرسان حق‌الزحمه بیشتری مطالبه می‌کنند [۲۷]. پژوهش‌های اخیر نشان دادند حق‌الزحمه حسابرسی با طرح‌های پرداخت پاداش مدیران ارتباط دارد و این طرح‌ها ریسک پذیری را تغییر می‌دهد [۲]. افزایش ریسک دعاوی حقوقی، منجر به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود و با توجه به اینکه، محافظه‌کاری مشروط ریسک دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهد، پس از این طریق بر حق‌الزحمه حسابرسی اثر منفی می‌گذارد.

دفوند و همکاران (۲۰۱۲) تاثیر محافظه‌کاری بر حق‌الزحمه حسابرسی، انتخاب حسابرس، دعاوی حقوقی و اظهارنظر حسابرسی را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که صاحبکاران، حسابرسی محافظه‌کارانه را ترجیح می‌دهند و در این صورت، احتمال رخداد تجدید ارائه صورت‌های مالی کمتر می‌شود [۱۳].

¹ Watts and Zimarman

² DeFond, Lim and Zang

³ Simunic

اگرچه این دو تاثیر محافظه‌کاری بر حق‌الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار داده بودند، ولی وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش آنها بررسی اثر تعدیلی نظام راهبری بر رابطه بین محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی است. یافته‌های سونو^۱ (۲۰۱۴) نیز نشان داد که محافظه‌کاری شرطی شرکتها، تاثیر منفی معناداری بر حق‌الزحمه حسابرسی دارد [۲۸].

تاثیر نظام راهبری بر ارتباط محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی

نظام راهبری نقش مهمی در بکارگیری از محافظه‌کاری ایفا می‌کند. نظام راهبری مجموعه‌ای از رویه‌هایی است که برای کسب اطمینان نسبت به استفاده کارآ از دارایی‌های شرکت و عدم بکارگیری آنها در جهت اهدافی مغایر با اهداف ذینفعان پیاده می‌شوند. ساختار نظام راهبری قوی امکان نظارت بهتر بر تصمیمات مدیریت، تولید به‌موقع اطلاعات حسابداری و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیئت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد گردید. محافظه‌کاری نیز تمامی منافع ذکر شده در بالا را به دنبال خواهد داشت [۱۶].

هیئت مدیره‌ها نقش اساسی در تصمیم‌سازی دارند و حیاتی‌ترین جزء سازوکارهای نظام راهبری، نظارت داشتن بر مدیریت است [۱۴]. محافظه‌کاری به عنوان ابزاری مفید برای هیئت مدیره برای اجرای کامل وظایف کلیدی همچون تعیین استراتژی‌ها، نظارت همه جانبه بر مدیران اجرایی شرکت، اطمینان نسبت به پاسخگویی به سهامداران و ذینفعان در سالهای جدید مطرح شده است [۲۱]. واتز (۲۰۰۳) بیان می‌نماید که یکی از نقش‌های مهم محافظه‌کاری، محدود نمودن رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت در گزارشگری مالی و جبران و تعدیل سوگیری آنها در گزارشگری مالی است [۲۹]. گاو^۲ (۲۰۱۳) نشان داد که محافظه‌کاری انگیزه‌های مدیران را برای بکارگیری مدیریت سود و کاهش ریسک ناتوانی در بازپرداخت بدهی و ورشکستگی کاهش می‌دهد [۱۵]. بیدل^۳ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که محافظه‌کاری مشروط، ریسک ورشکستگی را از طریق محدود کردن مدیریت سود کاهش می‌دهد [۱۰]. با توجه به اینکه مسائل نمایندگی به احتمال زیاد هنگام عدم همسویی مالکان و مدیران شدیدتر خواهد بود و اگر محافظه‌کاری واقعا نقشی در اداره مشکلات نمایندگی ایفا کند، آنگاه انتظار می‌رود با افزایش تضاد منافع مدیران و مالکان، تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش یابد، می‌توان نتیجه گرفت سازوکارهای نظام راهبری همچون وجود اعضای مستقل در هیئت مدیره و یا مالکیت مدیران می‌توانند به عنوان راهکارهایی در جهت حفظ منافع سهامداران (از جمله به وسیله محافظه‌کاری اتخاذ شده در روش‌های حسابداری) به شمار آیند [۱۶].

هم ریسک تجاری صاحبکار و هم ریسک گزارشگری مالی بر روی ریسک حسابرسی تاثیر می‌گذارد. برای نمونه، هنینگر^۴ (۲۰۰۱) دریافت که مدیریت سود، ریسک حقوقی حسابرسان را افزایش می‌دهد

¹ Sonu

² Gao

³ Biddle, Ma and Song.

⁴ Heninger

[۲۰]. اگر صاحبکار اظهار ورشکستگی نماید یا متحمل زیان‌های بسیار سنگین گردد، موسسات حسابرسی به احتمال بیشتری تحت تعقیب حقوقی قرار می‌گیرند [۲۴]. پس محافظه‌کاری به عنوان یک مکانیزم کاهنده مدیریت سود فرصت‌طلبانه و ریسک ورشکستگی است، که باید هزینه‌های مورد انتظار حقوقی حسابرسان را کاهش دهد. پژوهش‌های گذشته [۲۳ و ۲۶] شواهدی سازگار با فرضیه ریسک حقوقی - حق‌الزحمه حسابرسی فراهم نموده‌اند، به ویژه آنها نشان دادند که موسسات حسابرسی، هنگامی که در معرض افزایش دعاوی حقوقی قرار می‌گیرند، حق‌الزحمه حسابرسی را تعدیل (افزایشی) می‌نمایند. علاوه بر این به گفته لی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه منفی بین محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی می‌تواند به تمایل محافظه‌کاری جهت کاهش ریسک شهرت و اعتبار نسبت داده شود. دعاوی حقوقی یک عامل تعیین کننده شهرت و اعتبار حسابرسان است، که می‌تواند شهرت حسابرسان را خدشه دار نموده و به عنوان شاخصی جهت ضعف در کیفیت حسابرسی گردد [۲۳]. بنابراین با کاهش در هزینه‌های دعاوی حقوقی مورد انتظار، حسابرسان قادر خواهند بود، حق‌الزحمه حسابرسی را برای شرکت‌هایی با محافظه‌کاری شرطی بیشتر، تعدیل (کاهنده) نمایند.

بر این اساس فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه ۱: محافظه‌کاری مشروط حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد.

بر اساس یافته‌های بدارد و جانستون^۱ (۲۰۰۴) افزایش تلاش حسابرسان و نرخ‌های صورتحساب ارسالی آنها، پیامد ریسک بالای حسابرسی یا کیفیت پایین نظام راهبری است [۹]. همچنین یافته‌های باشمن^۲ و همکاران (۲۰۰۴) حاکی از این است که سیستم‌های راهبری قوی با عدم تقارن زمانی سود (معیار محافظه‌کاری مشروط) رابطه معکوس دارد [۱۱].

در صورتی که محافظه‌کاری بتواند منجر به کاهش ریسک حقوقی شود، نظام راهبری با کیفیت‌تر نیز باید منجر به کاهش ریسک حقوقی شود. نتایج پژوهش‌های گذشته بیانگر این است که محافظه‌کاری در برخی حالت‌ها و شرایط می‌تواند پاسخی برای مشکلاتی داشته باشد که ممکن است شرکتی بدلیل ساختار ضعیف نظام راهبری با آن مواجه شود [۲۳].

به طور خلاصه شواهد پژوهش‌های پیشین حاکی از این است که کیفیت بالای نظام راهبری و محافظه‌کاری می‌توانند در کاهش ریسک صاحبکار نقش ایفا کنند. نظام راهبری و محافظه‌کاری می‌توانند برای کاهش این ریسک جایگزین هم گردند. اگر نظام راهبری و محافظه‌کاری جایگزین هم هستند، بنابراین، نقش محافظه‌کاری در کاهش ریسک شرکت‌هایی که نظام راهبری ضعیف‌تری دارند، پررنگ‌تر می‌باشد. از این رو، محافظه‌کاری باید حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌هایی را که دارای نظام راهبری ضعیف‌تری هستند بیشتر کاهش دهد. بر اساس نتایج پژوهش‌های گذشته و استدلال آنچه

¹ Bedard and Johnstone

² Bushman, Chen and Smith

گذشت، فرضیه دوم در خصوص اثر تعدیلی کیفیت نظام راهبری بر رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و حق‌الزحمه حسابرسی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه ۲: با فرض ثابت بودن محافظه‌کاری مشروط، نظام راهبری با کیفیت‌تر، تاثیر کاهش حق‌الزحمه حسابرسی در نتیجه‌ی گزارشگری محافظه‌کارانه تر را کاهش می‌دهد.

روش شناسی

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است و از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب روش، از نوع همبستگی است، بنابراین از روش رگرسیون خطی چندمتغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده، که با اعمال محدودیت‌هایی، تعداد ۱۳۶ شرکت به عنوان نمونه به شرح جدول (۱) انتخاب شدند و داده‌های مربوط به ۱۱ سال آن‌ها (۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳) در نرم‌افزار Eviews9 و Stata12 پردازش شد.

جدول (۱): فرآیند غربالگری شرکت‌های عضو نمونه در بازه زمانی پژوهش

تعداد شرکت	شرح
۶۱۸۹	تعداد سال - شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۳۹۳
۱۰۲۳	تعداد سال - شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۹۳-۸۳ در بورس فعال نبوده‌اند.
۶۲۷	تعداد سال - شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.
۹۶۸	تعداد سال - شرکت‌هایی بعد از سال ۸۳ در بورس پذیرفته شده‌اند.
۳۶۳	تعداد سال - شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.
۱۷۱۲	تعداد سال - شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش، اطلاعات آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.
۴۶۹۳	تعداد کل سال - شرکت‌هایی که حذف شدند
۱۴۹۶	تعداد سال - شرکت‌های عضو نمونه

اندازه‌گیری متغیرها

سنجش محافظه‌کاری مشروط

خان و واتز^۱ (۲۰۰۹) معیار محافظه‌کاری را بر اساس بسط مدل باسو (۱۹۹۷) ارائه دادند [۲۲]. باسو (۱۹۹۷) در عملیاتی نمودن مفهوم محافظه‌کاری بر این نکته که سود اخبار بد را سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نماید، تاکید می‌نماید. طبق مدل باسو (۱۹۹۷) هرچه عدم تقارن زمانی بیشتر باشد،

¹ Khan and Watts

محافظه‌کاری در شرکت نیز بیشتر خواهد بود [۷]. رگرسیون مقطعی با سو (۱۹۹۷) به صورت مدل (۱) است.

مدل (۱)

$$EPS_{i,t} = \beta_0 + \beta_{1i,t}DR_{i,t} + \beta_{2i,t}RET_{i,t} + \beta_{3i,t}DR_{i,t} * RET_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

خان و واتز (۲۰۰۹) برای برآورد به موقع بودن اخبار خوب و محافظه‌کاری در سطح سال - شرکت بیان می‌کنند که به موقع بودن اخبار خوب (G-SCORE)، در هر سال و به موقع بودن اخبار بد (C-SCORE)، در هر سال توابعی خطی از ویژگی‌های خاص هر شرکت در هر سال به شکل مدل‌های (۲) و (۳) هستند [۲۲]:

مدل (۲)

$$G - SCORE = \beta_{2it} = \mu_{1,t} + \mu_{2t}LnSIZE_{i,t} + \mu_{3t}MTB_{i,t} + \mu_{4t}LEV_{i,t}$$

مدل (۳)

$$C - SCORE = \beta_{3it} = \lambda_{1t} + \lambda_{2t}LnSIZE_{i,t} + \lambda_{3t}MTB_{i,t} + \lambda_{4t}LEV_{i,t}$$

مقادیر باقیمانده μ_i و λ_i در بین شرکت‌ها ثابت هستند اما طی زمان تغییر می‌کنند، زیرا آنها با استفاده از رگرسیون‌های مقطعی سالانه برآورد می‌شوند. برآوردهای حاصل از مدل‌های (۲) و (۳) در مدل (۱) جایگزین می‌شوند تا مدل (۴) به دست آید:

مدل (۴)

$$\begin{aligned} EPS_{it} = & \beta_0 + \beta_{1i,t}DR_{i,t} \\ & + RET_{i,t}(\mu_{1,t} + \mu_{2t}LnSIZE_{i,t} + \mu_{3t}MTB_{i,t} + \mu_{4t}LEV_{i,t}) \\ & + DR_{i,t} \\ & * RET_{i,t}(\lambda_{1t} + \lambda_{2t}LnSIZE_{i,t} + \lambda_{3t}MTB_{i,t} + \lambda_{4t}LEV_{i,t}) \\ & + (\delta_{1t}LnSIZE_{i,t} + \delta_{2t}MTB_{i,t} + \delta_{3t}LEV_{i,t} + \delta_{4t}DR_{i,t} \\ & * LnSIZE_{i,t} + \delta_{5t}DR_{i,t} * MTB_{i,t} + \delta_{6t}DR_{i,t} * LEV_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

آنگاه برآوردهای حاصل از مدل (۴) در مدل‌های (۲) و (۳) قرار داده می‌شود تا β_2 و β_3 برای هر شرکت به دست آید [۳]. بنابراین به موقع بودن اضافی اخبار بد (C-SCORE)، متغیر مستقل پژوهش و شاخصی برای سنجش محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. تمامی متغیرهای استفاده شده در مدل‌های فوق در جدول (۳) تشریح شده‌اند.

سنجش کیفیت نظام راهبری

در این پژوهش به پیروی از لی و همکاران (۲۰۱۵) از معیارهای زیر برای اندازه‌گیری کیفیت نظام راهبری استفاده شده است [۲۳]. کیفیت نظام راهبری برابر با میانگین متغیرهای جدول (۲) است. به باور لی و همکاران (۲۰۱۵) مقادیر بالای این متغیر به معنی کیفیت نظام راهبری بهتر می‌باشد.

جدول (۲): نحوه اندازه‌گیری متغیرهای نظام راهبری

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
تمرکز مالکیت	OWN_CON	مجموع درصد سهامدارانی که حداقل ۵ درصد سهام شرکت را

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه گیری
		دارند (اگر مقدار به دست آمده بیشتر از میانه توزیع متغیر تمرکز مالکیت باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار داده شده است).
مالکیت نهادی	INS_OWN	مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانکها و بیمهها و نهادهای مالی است (اگر مقدار به دست آمده بیشتر از میانه توزیع متغیر مالکیت نهادی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر قرار داده شده است).
دوگانگی وظیفه مدیر عامل	DUAL	اگر رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل نباشد، برابر با یک و اگر رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل شرکت باشد، عدد صفر قرار داده شده است.
اندازه هیئت مدیره	BRD_SIZE	تعداد اعضای هیئت مدیره (اگر مقدار به دست آمده بیشتر از میانه توزیع متغیر اندازه هیئت مدیره باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر قرار داده شده است).
استقلال هیئت مدیره	BRD_IND	تعداد اعضای غیر موظف (مستقل) هیئت مدیره تقسیم بر کل اعضای هیئت مدیره

همچنین در این پژوهش، از متغیر حق الزحمه حسابرسی به عنوان نماینده (جانشین) ریسک دعاوی حقوقی استفاده شده است [۲۶].

مدل برای آزمون فرضیهها

مدل آزمون فرضیه اول

در مرحله اول دو ویژگی حسابرسی شامل دوره تصدی حسابرسی (LnAUD_TEN) به منظور تخفیف در حق الزحمه حسابرسی در اولین دوره حسابرسی و همچنین اندازه موسسه حسابرسی (BIG) به علت اعتبار موسسه حسابرسی کننده مورد کنترل قرار می گیرد [۲۵]. در مرحله بعد چند ویژگی صاحبکار کنترل شد. اولین گروه از ویژگیهای صاحبکار مرتبط با پیچیدگی محیط فعالیت صاحبکار است. پیچیدگی بالای محیط تجاری صاحبکار منجر به پیچیدگی فرآیند حسابرسی (در نتیجه حق الزحمه حسابرسی) می شود. در نتیجه شرکت های بزرگتر (اندازه) (LnSIZE) و دارای رشد بالا (MTB) و احتمال بیشتری وجود دارد که پیچیده تر باشند و در نتیجه با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی دارند.

دومین گروه از ویژگیهای صاحبکار، در ارتباط با ریسک ذاتی و تجاری صاحبکار است. این متغیرها کنترل می شوند. در شرکت های دارای ریسک بالاتر، ریسک حسابرسی افزایش می یابد و در نتیجه منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می گردد. شرکت هایی با اهرم مالی بالاتر (LEV) و نسبت های

سودآوری کمتر، (ROA) و (NEG_ROA) احتمالاً دارای ریسک نقدینگی می‌باشند که در نهایت منجر به حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر می‌گردد. موجودی کالا می‌تواند معیوب گردد و حسابهای دریافتی ریسک عدم وصول را دارد. این نسبت بالاتر (ARINV) نشان‌دهنده ریسک بالاتر مرتبط با آن‌ها می‌باشد که در نهایت منجر به حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر می‌گردد. مدت فعالیت شرکت‌ها (LnAGE) مرتبط با ریسک می‌باشد. شرکت‌های جوان‌تر، دارای ریسک بالاتر و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری دارند.

متغیرهای بعدی که کنترل می‌گردد، تجدید ارائه صورت‌های مالی (RESTATE) و فاصله سال مالی و تاریخ اعلان سود (REPLAG) می‌باشد. به این دلیل که تجدید ارائه صورت‌های مالی و تاخیر گزارشگری بالاتر احتمالاً به دلیل پیچیدگی زیاد فرآیند حسابرسی یا مشکلات از قبل پیش‌بینی نشده توسط حسابرس یا به دلیل عدم توافق حسابرس و صاحبکار بوده است. این ویژگی‌ها در ارتباط با ریسک حسابرسی بالاتر و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی بالاتر می‌باشد.

در نهایت برای برای آزمون فرضیه اول از مدل (۵) استفاده می‌شود:

مدل (۵)

$$\begin{aligned} \text{LnAUDIT}_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 \text{CONSER}_{i,t} + \beta_2 \text{LnAU_TEN}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{LnSIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{S_GROWTH}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} \\ & + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{NEG_ROA}_{i,t} + \beta_{10} \text{ARINV}_{i,t} + \beta_{11} \text{LnAGE}_{i,t} \\ & + \beta_{12} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{13} \text{REPLAG}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم، تأثیر متغیر کیفیت نظام راهبری در رابطه بین محافظه‌کاری مشروط و اثر تعدیلی نظام راهبری بر تضعیف رابطه بین محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی به شرح مدل (۶) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مدل (۶)

$$\begin{aligned} \text{LnAUDIT}_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 \text{CONSER}_{i,t} + \beta_2 \text{LnAU_TEN}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{LnSIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{S_GROWTH}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} \\ & + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{NEG_ROA}_{i,t} + \beta_{10} \text{ARINV}_{i,t} + \beta_{11} \text{LnAGE}_{i,t} \\ & + \beta_{12} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{13} \text{REPLAG}_{i,t} \\ & + \beta_{14} \beta_2 \text{CONSER} * \text{CGQ}_{i,t} + \beta_{15} \text{CGQ}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

تمامی متغیرهای مدل‌های پژوهش در جدول (۳) تعریف شده است:

جدول (۳): خلاصه متغیرهای استفاده شده در پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
حق‌الزحمه حسابرسی	LnAUDIT	لگاریتم طبیعی هزینه حسابرسی شرکت
محافظه‌کاری مشروط	CONSER	ضریب محاسبه شده β_3 در مدل خان و واتز (۲۰۰۹) [۲۲]

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
دوره تصدی حسابرس	LnAU_TEN	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که حسابرس، عهده دار حسابرسی بوده است.
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	اگر سازمان حسابرسی و موسسات دارای کنترل کیفیت الف باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.
اندازه شرکت	LnSIZE	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری سهام
نرخ رشد فروش	S_GROWTH	فروش در سال جاری منهای فروش در سال قبل تقسیم بر فروش در سال قبل
اهرم مالی	LEV	نسبت جمع بدهی به جمع دارایی‌ها
شاخص بازده دارایی‌ها	NEG_ROA	اگر بازده دارایی‌ها منفی باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.
بازده دارایی‌ها	ROA	نسبت سود قبل از اقلام غیرعادی تقسیم بر جمع دارایی‌ها
موجودی کالا و حساب‌های دریافتی	ARINV	موجودی کالا و حساب‌های دریافتی
لگاریتم عمر شرکت	LnAGE	لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس
تجدید ارائه صورت‌های مالی	RESTATE	اگر شرکت تجدید ارائه صورت‌های مالی داشته باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.
فاصله سال مالی و اعلان سود	REPLAGE	تعداد روزهای بین پایان سال مالی و ارائه صورت‌های مالی
کیفیت نظام راهبری	CGQ	محاسبه شده توسط مدل گارسیا و همکاران (۲۰۰۹) [۱۸]
اثر متقابل محافظه‌کاری و نظام راهبری	CONSER*CGQ	ضرب دو متغیر محافظه‌کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری

یافته‌ها

آمار توصیفی داده‌ها

جدول (۴) آمار توصیفی داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۴): آمار توصیفی داده‌ها

مشاهدات	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانہ	میانگین	نماد متغیر	نام متغیر
۱۴۹۶	۰/۸۱۹	۴/۹۲۴	۷/۹۰۴	۶/۱۷۷	۶/۲۸۰	LnAUDIT	لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی
۱۴۹۶	۶۸۲/۳۲۳	۱۳۷/۷۰۰	۲۷۱۰/۷۰۰	۴۱۲/۵۰۰	۶۸۰/۱۹۴	AUDIT_FEE	حق الزحمه حسابرسی
۱۴۹۶	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۱	CONSER	محافظه‌کاری مشروط
۱۴۹۶	۰/۷۵۰	۰/۰۰۰	۲/۱۹۷	۱/۰۹۸	۱/۱۰۱	LnAU_TEN	لگاریتم طبیعی دوره تصدی حسابرسی
۱۴۹۶	۲/۶۵۵	۱/۰۰۰	۱۲/۰۰۰	۳/۰۰۰	۳/۶۴۷	AU_TEN	دوره تصدی حسابرسی
۱۴۹۶	۰/۴۷۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۶۵۶	BIG	اندازه موسسه حسابرسی
۱۴۹۶	۰/۳۵۴	۱۱/۴۲۲	۱۶/۰۱۹	۱۳/۲۴۰	۱۳/۳۷۳	LnSIZE	لگاریتم اندازه شرکت
۱۴۹۶	۱۴۱۰۵۰۵	۹۱۹۲۳/۰۰	۸۷۷۷۸۹۷	۵۶۲۶۴۸/۵	۱۰۷۷۱۹۶	SIZE	اندازه شرکت
۱۴۹۶	۱/۴۹۰	۰/۵۴۷	۶/۵۲۴	۱/۸۵۰	۲/۲۶۷	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۱۴۹۶	۰/۲۶۹	-۰/۲۵۶	۰/۸۱۹	۰/۱۶۵	۰/۱۹۸	S_GROWTH	نرخ رشد فروش
۱۴۹۶	۰/۱۶۳	۰/۳۱۷	۰/۸۹۹	۰/۶۲۰	۰/۶۱۱	LEV	اهرم مالی
۱۴۹۶	۰/۲۹۵	-۰/۰۴۹	۰/۳۶۵	۰/۱۰۷	۰/۱۲۳	ROA	بازده دارایی‌ها
۱۴۹۶	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	NEG_ROA	شاخص بازده دارایی‌ها
۱۴۹۶	۰/۱۹۲	۱/۱۲۰	۰/۷۷۱	۰/۴۹۷	۰/۴۸۳	ARINV	موجودی کالا و حساب‌های دریافتی
۱۴۹۶	۰/۳۷۱	۲/۷۰۸	۳/۹۷۰	۳/۶۸۸	۳/۵۵۴	LnAGE	لگاریتم طبیعی عمر شرکت

۳۴. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴۴

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهدات
عمر شرکت	AGE	۳۵/۴۸۵	۳۸/۰۰۰	۶۳/۰۰۰	۵/۰۰۰	۱۲/۲۱۷	۱۴۹۶
تجدید ارائه صورت‌های مالی	RESTATE	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۱۱	۱۴۹۶
فاصله سال مالی واعلان سود	REPLAGE	۸۸/۲۴۲	۹۳	۱۲۹	۴۴	۲۷/۴۲۸	۱۴۹۶
کیفیت نظام راهبری	CGQ	۰/۶۵۲	۰/۶	۱/۰۰۰	۰/۴	۰/۱۲۴	۱۴۹۶
اثر متقابل محافظه‌کاری و مشروط و نظام راهبری	CONSER*C GQ	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۱	۱۴۹۶

جدول (۴) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت جداگانه می‌باشد. حداکثر و حداقل حق‌الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های نمونه به ترتیب برابر با ۷/۹۰۴ و ۴/۹۲۴ است. میانگین و میانه محافظه‌کاری مشروط به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰۱ و ۰/۰۰۰۷ که نشان از توزیع تقریباً متقارن این متغیر دارد که مقدار انحراف معیار این متغیر (۰/۰۰۳) گویای این موضوع می‌باشد. مقدار حداقل دوره تصدی حسابرس برابر با صفر می‌باشد. از آنجایی که نحوه اندازه‌گیری متغیر دوره تصدی حسابرس برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حسابرسی توسط موسسه حسابرسی بوده است، این موضوع بدین معنی می‌باشد که در برخی از شرکت‌های نمونه، حسابرس تنها به مدت یکسال، حسابرس آن شرکت بوده است. همچنین حداکثر دوره تصدی حسابرس برابر با ۲/۱۹۷ است. این عدد مربوط به شرکت‌هایی است که حسابرس آنها سازمان حسابرسی بوده است. میانگین برای اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم مالی به ترتیب برابر با ۱۳/۳۷۳، ۲/۲۶۷ و ۰/۶۱۱ است. حداقل نرخ رشد فروش برابر با -۰/۲۵۶ است، یعنی در بین شرکت‌های نمونه، شرکت‌هایی وجود داشته‌اند که در سال جاری نسبت به سال قبل کاهش فروش داشته‌اند. حداکثر کیفیت نظام راهبری برابر با ۱/۰۰۰ می‌باشد. این موضوع بدین معنی است که در بین شرکت‌های نمونه، شرکت‌هایی وجود داشته‌اند که مقادیر مربوط به تک تک متغیرهای کیفیت نظام راهبری برابر با ۱/۰۰۰ بوده است. یعنی مقادیر متغیرهای تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بیشتر از میانه توزیع آن متغیرها بوده است. همچنین رئیس هیئت مدیره، مدیر عامل شرکت نبوده و تمام اعضای هیئت مدیره شرکت نیز غیر موظف (مستقل) بوده‌اند و مقدار متغیر تعداد اعضای هیئت مدیره در آن شرکت بیشتر از میانه توزیع این متغیر بوده است.

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

نتیجه آزمون فرضیه اول

نتیجه آزمون فرضیه اول در جدول (۶) مشاهده می‌شود.

جدول (۶) - فرضیه اول: ارتباط محافظه‌کاری با حق الزحمه حسابرسی

$\text{LnAUDIT}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CONSER}_{i,t} + \beta_2 \text{LnAU_TEN}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} + \beta_4 \text{LnSIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{S_GROWTH}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{NEG_ROA}_{i,t} + \beta_{10} \text{ARINV}_{i,t} + \beta_{11} \text{LnAGE}_{i,t} + \beta_{12} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{13} \text{REPLAG}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}(\delta)$ مدل					
معناداری	آماره t	ضریب برآورده شده	علامت پیش بینی شده	نماد متغیر	متغیر توضیحی
۰/۰۰۰۰	-۳/۹۲۱	-۰/۰۵۷۷	-	CONSER	محافظه‌کاری مشروط (متغیر آزمون فرضیه اول)
۰/۲۳۷۳	۱/۱۸۳۰	۰/۰۳۷۹	+	LnAU_TEN	دوره تصدی حسابرس
۰/۵۴۴۰	۰/۶۰۶۶	۰/۰۳۲۱	+	BIG	اندازه موسسه حسابرسی
۰/۰۰۰۰	۳/۵۵۶۱	۰/۲۹۱۲	+	Lnsize	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	۳/۶۴۸۷	۰/۰۱۱۳	+	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۹۸۳۷	-۰/۰۲۰۳	-۰/۰۰۱۴	-	S_GROWTH	نرخ رشد فروش
۰/۹۱۹۰	-۰/۱۰۱۷	-۰/۰۲۶۶	+	LEV	اهرم مالی
۰/۴۷۸۳	۰/۷۰۹۵	۰/۰۵۶۳	+	NEG_ROA	شاخص بازده دارایی‌ها
۰/۰۲۰۷	-۲/۳۱۹۵	-۰/۸۷۲۵	-	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۴۱۶۳	۰/۸۱۳۴	۰/۱۳۷۵	+	ARINV	موجودی کالا و حساب‌های دریافتی
۰/۰۰۰۰	-۴/۳۴۷۹	-۰/۹۷۹۲	-	LnAGE	عمر شرکت
۰/۸۷۸۴	۰/۱۵۳۰	۰/۰۰۷۶	+	RESTATE	تجدید ارائه صورت‌های مالی
۰/۰۳۴۱	۲/۱۲۴۲	۰/۰۰۲۱	+	REPLAGE	فاصله سال مالی و اعلان سود

$\text{LnAUDIT}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CONSER}_{i,t} + \beta_2 \text{LnAU_TEN}_{i,t} + \beta_3 \text{BIG}_{i,t} + \beta_4 \text{LnSIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{S_GROWTH}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_{i,t} + \beta_9 \text{NEG_ROA}_{i,t} + \beta_{10} \text{ARINV}_{i,t} + \beta_{11} \text{LnAGE}_{i,t} + \beta_{12} \text{RESTATE}_{i,t} + \beta_{13} \text{REPLAG}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \text{ (۵)}$ مدل					
متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش بینی شده	ضریب برآورده شده	آماره t	معناداری
مقدار ثابت	C	؟	-۸/۱۸۶۶	-۸/۰۲۳۸	۰/۰۰۰۰
آماره آزمون چاو	۱۶/۱۶۹۷۶۷	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون چاو	تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی)
آماره آزمون هاسمن	۱۹۰/۰۷۷۶۰۶	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون هاسمن	اثرات ثابت
آماره بروش پادگان	۷۲/۵۷	احتمال بروش پادگان	۰/۰۰۰۰	نتیجه آزمون روش پادگان	عدم وجود ناهمسانی واریانس
آماره وولدریج	۶/۱۲۱	آماره وولدریج	۰/۰۷۳۰	نتیجه آزمون وولدریج	عدم وجود خود همبستگی سریالی
ضریب تعیین	۰/۷۸۴۳	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۴۱۷	آماره دوربین - واتسون	۱/۵۶۶۴
آماره F	۱۸/۴۰۰۸۰	معناداری آماره F	۰/۰۰۰۰		

نتایج حاصل از برازش مدل (۵) در جدول (۶) ارائه شده است. نتایج آزمون چاو^۱ و هاسمن^۲ نشان دهنده دهنده برتری استفاده از روش اثرات ثابت^۱ در مقابل روش‌های اثرات تصادفی^۲ و مقید می باشد. مقدار

^۱ Chow

^۲ Hausman

احتمال آماره F برای مدل (۵) برابر با ۰/۰۰۰۰ می باشد که حاکی از معناداری کل مدل (۵) می باشد. همچنین ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل (۵) به ترتیب برابر با ۰/۷۸۴۳ و ۰/۷۴۱۷ می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که در مدل (۵) حدود ۰/۷۴۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) توسط متغیرهای توضیحی مدل (۵) توضیح داده می شوند. مقدار آماره دوربین- واتسون برای مدل (۵) برابر با ۱/۵۶۶۴ است. از آنجایی که این عدد در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارند، بیانگر عدم خودهمبستگی مقادیر خطا در مدل (۵) است. همچنین نتایج آزمون‌های بروش پاگان^۳ و وولدریج^۴ به ترتیب بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس و عدم وجود خود همبستگی سریالی در مدل پژوهش می باشد.

در جدول (۶) اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان‌دهنده میزان تاثیر مستقیم (معکوس) هریک از متغیرها بر متغیر حق الزحمه حسابرسی می باشند. چنانچه مقدار احتمال آماره هر متغیر کمتر از ۰/۰۵ باشد نشان‌دهنده معنا دار بودن تاثیر آن متغیر به متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی) است. مقدار ضریب و احتمال متغیر محافظه‌کاری مشروط در مدل (۵) به ترتیب برابر با ۰/۰۵۷۷- و ۰/۰۰۰۰ می باشد. علامت منفی ضریب این متغیر نشان‌دهنده رابطه معکوس متغیر محافظه‌کاری مشروط و حق الزحمه حسابرسی می باشد. مقدار این ضریب به این مفهوم می باشد که به ازای یک واحد افزایش در محافظه‌کاری مشروط، متغیر حق الزحمه حسابرسی ۰/۰۵۷۷ واحد کاهش می یابد. همچنین مقدار احتمال آن نشان دهنده معنا دار بودن رابطه می باشد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می شود. به عبارت دیگر، محافظه‌کاری مشروط حق الزحمه حسابرسی را کاهش می دهد.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

نتیجه آزمون فرضیه دوم در جدول (۷) مشاهده می شود.

جدول (۷) - فرضیه دوم: تاثیر نظام راهبری بر ارتباط محافظه‌کاری و حق الزحمه حسابرسی

متغیر توضیحی	نماد متغیر	علامت پیش بینی شده	ضریب برآورده شده	آماره t	معناداری
محافظه‌کاری مشروط	CONSER	-	-۰/۰۵۳۳	-۱/۹۶	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرس	LnAU_TEN	+	۰/۰۳۶۰	۱/۱۱۵۴	۰/۲۶۵۲
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	+	۰/۰۳۱۴	۰/۵۸۸۰	۰/۵۵۶۸

¹ Fixed Effects

² Random Effects

³ Breusch and Pagan

⁴ Wooldridge

۳۸. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴۴

۰/۰۰۰۰	۳/۵۵۹۲	۰/۲۹۳۳	+	Lnsize	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۵	۲/۶۱۴۶	۰/۰۱۰۹	+	MTB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری
۰/۹۶۱۳	-۰/۰۴۸۵	-۰/۰۰۳۵	-	S_GROWTH	نرخ رشد فروش
۰/۹۱۵۵	-۰/۱۰۶۱	-۰/۰۲۷۸	+	LEV	اهرم مالی
۰/۴۸۷۶	۰/۶۹۴۵	۰/۰۵۵۳	+	NEG_ROA	شاخص بازده دارایی‌ها
۰/۰۲۱۷	-۲/۳۰۲۵	-۰/۸۶۸۴	-	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۳۷۸۷	۰/۸۸۱۱	۰/۱۵۰۰	+	ARINV	موجودی کالا و حساب‌های دریافتی
۰/۰۰۰۰	-۱۴/۳۲۴۶	-۰/۹۸۳۱	-	LnAGE	عمر شرکت
۰/۹۱۶۴	۰/۱۰۴۹	۰/۰۰۵۲	+	RESTATE	تجدید ارائه صورت‌های مالی
۰/۰۳۲۸	۲/۱۴۰۵	۰/۰۰۲۱	+	REPLAGE	فاصله سال مالی و اعلان سود
۰/۰۰۰۸	۵/۲۴۷۳	۰/۶۶۷۶	+	CGQ	کیفیت نظام راهبری
۰/۰۰۰۰	۴/۰۰۴۵	۰/۰۶۷۶	+	CONSER*CGQ	اثر متقابل محافظه‌کاری مشروط و نظام راهبری (متغیر آزمون فرضیه دوم)
۰/۰۰۰۰	-۷/۸۱۵۳	-۸/۰۸۶۲	؟		مقدار ثابت
تابلویی (اثرات ثابت یا تصادفی)	نتیجه آزمون چاو	۰/۰۰۰۰	سطح معناداری آزمون چاو	۱۵/۹۶۲۲۱۰	آماره آزمون چاو
اثرات ثابت	نتیجه آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۱۹۰/۹۲۵۰۳۱	آماره آزمون هاسمن
عدم وجود	نتیجه	۰/۰۰۰۰	احتمال	۸۳/۱۴	آماره بروش پادگان

تأثیر محافظه‌کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری بر کاهش ریسک دعاوی... ۳۹

ناهمسانی واریانس	آزمون روش پادگان		بروش پادگان		
عدم وجود خود همبستگی سریالی	نتیجه آزمون وولدریج	۰/۱۴۲۶	آماره وولدریج	۸/۱۵۴	آماره وولدریج
۱/۵۶۴۶	آماره دوربین - واتسون	۰/۷۴۱۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۸۴۶	ضریب تعیین
۰/۰۰۰۰	معناداری آماره F			۱۸/۰۰۶۴	آماره F

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مدل (۶) برآورد شد. نتایج این آزمون در جدول (۷) ارائه شده است. سطح معناداری آزمون چاو برابر با ۰/۰۰۰ که نشان از برتری استفاده از روش داده‌های تابلویی در مقابل داده‌های تلفیقی و نتیجه آزمون هاسمن، نشان داد که برای برآورد مدل (۶) از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی استفاده شود. همچنین مقدار آماره دوربین- واتسون برای مدل (۶) برابر با ۱/۵۶۴۶ است، که بیانگر عدم خودهمبستگی مقادیر خطا در مدل رگرسیونی (۶) استفاده شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۷۴ درصد از تغییرات حق‌الزحمه حسابرسی توسط متغیرهای توضیحی استفاده شده در مدل (۶) توضیح داده می‌شود. معناداری آماره F برابر با ۰/۰۰۰ است که به مفهوم معنادار بودن کل مدل (۶) است. همچنین نتایج آزمون‌های بروش پادگان و وولدریج برای مدل (۶) نشان دهنده عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی می‌باشد.

به پیروی از لی و همکاران (۲۰۱۵)، دو متغیر CGQ و $CONSER*CGQ$ به مدل (۵) اضافه گردید، تا مدل (۶) به دست آید. نتایج برآورد مدل (۶) نشان می‌دهد که ارتباط محافظه‌کاری مشروط $CONSER$ و حق‌الزحمه حسابرسی $LnAUDIT$ منفی است. همچنین ارتباط مثبتی بین کیفیت نظام راهبری CGQ و حق‌الزحمه حسابرسی $LnAUDIT$ وجود دارد. برای آزمون تأثیر نظام راهبری بر ارتباط محافظه‌کاری و حق‌الزحمه حسابرسی باید به علامت، مقدار ضریب برآورده شده و احتمال مربوط به متغیر $CONSER*CGQ$ توجه شود. مقدار ضریب این متغیر برابر با ۰/۰۶۷۶ و احتمال آماره آن برابر با ۰/۰۰۰۰ می‌باشد. از آنجایی که مقدار احتمال بدست آمده برای این متغیر کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه رابطه بین متغیر کیفیت نظام راهبری و متغیر حق‌الزحمه حسابرسی معنادار

است و با توجه به علامت ضریب به دست آمده که مثبت می باشد، و از آنجایی که متغیرهای محافظه کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری به ترتیب دارای ارتباط منفی و مثبت با متغیر حق الزحمه حسابرسی دارند، می توان بیان نمود که فرضیه دوم تایید می شود. یعنی با وارد نمودن متغیر کیفیت نظام راهبری نقش محافظه کاری مشروط در کاهش حق الزحمه حسابرسی تضعیف می شود. به عبارت دیگر، متغیرهای محافظه کاری مشروط و کیفیت نظام راهبری با یکدیگر رابطه جایگزینی دارند. یعنی شرکت هایی که دارای نظام راهبری قوی تری می باشند از محافظه کاری کمتری استفاده می نمایند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

شواهد بسیار محدودی در مورد منافع بالقوه محافظه کاری وجود دارد که می تواند منجر به ریسک حسابرسی و در نتیجه، افزایش حق الزحمه های حسابرسی گردد. در پژوهش های گذشته در خصوص محافظه کاری در حسابداری و ارتباط آن با پاداش مدیران، قرارداد بدهی، دعاوی حقوقی، موضوع مالیاتی و تدوین استانداردها و قواعد حسابداری، تلاش هایی صورت گرفته است، اما در خصوص مزایای محافظه کاری حسابداری بر کاهش حق الزحمه حسابرسی و نیز تاثیر تعدیلی نظام راهبری بر این رابطه، کمتر پژوهشی صورت گرفته است. در این پژوهش تاثیر نظام راهبری بر ارتباط بین محافظه کاری مشروط و حق الزحمه حسابرسی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. شواهد پژوهش نشان داد، افزایش محافظه کاری مشروط با کاهش حق الزحمه حسابرسی رابطه دارد و نظام راهبری با کیفیت تر، تاثیر کاهش حق الزحمه حسابرسی در نتیجه ی گزارشگری محافظه کارانه تر را کاهش می دهد. به عبارت دیگر شرکتهای دارای کیفیت نظام راهبری پایین تر، به گزارشگری محافظه کارانه، بیشتر روی می آورند، تا از این طریق اثر تعدیلی کاهنده بر حق الزحمه های حسابرسی داشته باشند. این پژوهش در راستای یافته های پژوهش دفوند و همکاران (۲۰۱۲) به بسط یافته های پژوهش های پیشین در خصوص نقش حسابداری محافظه کارانه در قراردادهای و تعیین حق الزحمه حسابرسی از طریق اضافه نمودن محافظه کاری در حسابداری به عنوان عامل موثر دیگری بر حق الزحمه حسابرسی می پردازد. نتیجه این پژوهش با یافته های سونو (۲۰۱۴) و لی و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. آنها به این نتیجه رسیدند، نظام راهبری با کیفیت تر، منجر به کاهش ریسک حسابرسی شده و باعث می شود که محافظه کاری در سطح بالاتر، اثر کمتری بر کاهش حق الزحمه حسابرسی بگذارد [۲۳ و ۲۸].

دستاورد های این پژوهش هم در سطح دانشگاهی و هم در سطح اجرایی کاربرد دارد. جنبه های کاربردی نتایج این پژوهش برای بخش های حسابرسی، تدوین کنندگان قوانین و استانداردهای حسابداری و همچنین در حوزه اداره شرکت و کاهش هزینه ها از جمله هزینه حق الزحمه حسابرسی شرکتها است. این پژوهش می تواند به آگاهی موسسات حسابرسی در قیمت گذاری رقابتی خدمات و تعیین قیمت پیشنهادی قبول سفارش خویش یاری رساند. مهمترین دستاورد این پژوهش کمک به ادبیات نقش غیرمستقیم سازوکار نظام راهبری برای فراهم کردن شواهدی مبنی بر اینکه نظام راهبری با کیفیت تر، کاهش حق الزحمه حسابرسی مرتبط با گزارشگری محافظه کارانه تر را تضعیف می کند و می تواند برای

شرکت‌ها در انتخاب رویه‌های حسابداری و توجه به حق‌الزحمه حسابرسی مفید واقع گردد. براساس یافته‌های این پژوهش نقش محافظه‌کاری برای حساب‌برسان این است که آنها ریسک شرکت را کمتر برآورد می‌کنند و در نتیجه حق‌الزحمه کمتری را مطالبه می‌نمایند.

ژانگ (۲۰۰۸) بیان می‌نماید، امروزه نهادهای تدوین‌کننده استاندارد همچون هیئت استانداردهای حسابداری مالی محافظه‌کاری را کنار گذاشته و تمایل به انعکاس ارزش جاری در صورت‌های مالی دارند. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که حذف محافظه‌کاری منجر به از دست رفتن مزایای آن برای حساب‌برسان و شرکتهای مورد رسیدگی خواهد شد [۳۱]. از این رو یافته‌های این پژوهش می‌تواند به تدوین‌کنندگان استانداردها، که امروزه رویکرد ارزش منصفانه را مشی خود قرار دادند، کمک کند تا اینکه توازنی را بین حسابداری مبتنی بر ارزشهای جاری و محافظه‌کاری را مورد ارزیابی قرار دهند.

فهرست منابع

۱. حساس یگانه، یحیی و احمدی، مرتضی. (۱۳۹۲). "رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری". **مطالعات تجربی حسابداری مالی**، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۲۹-۵۲.
۲. حساس یگانه، یحیی، حسنی القار، مسعود و مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). "بیش اطمینانی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۳۶۳-۳۸۴.
۳. خواجهی، شکرالله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۴). "کیفیت حسابرسی و محافظه‌کاری: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق و بهادار تهران". **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۴-۱۹.
۴. رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله. (۱۳۸۷). "رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۵، شماره ۵۴، صص ۶۳-۸۰.
۵. قائمی، محمدحسین، کیانی، آیدین و تقی‌زاده، مصطفی. (۱۳۹۳). "محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۷۱-۴۸۴.
۶. کردستانی، غلامرضا و امیربیگی لنگرودی، حبیب. (۱۳۸۷). "بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره ۱۵، شماره ۵۲، صص ۸۹-۱۰۶.
7. Basu, S. (1997). "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings". **Journal of Accounting & Economics** 24: 3-27.
8. Basu S. (2005). "Discussion of Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling". **Review of Accounting Studies** 10: 311-321.
9. Bedard, J., and K. Johnstone. (2004). "Earnings manipulation risk, corporate governance risk, and auditors' planning and pricing decisions". **The Accounting Review** 79: 277-304.
10. Biddle, G., M. Ma, and F. M. Song. (2012). "Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk. Working paper, The University of Hong Kong.

11. Bushman, R., Q. Chen, E. Engel, and A. Smith. (2004). "Financial accounting information, organizational complexity, and corporate governance systems". **Journal of Accounting & Economics** 37: 167–201.
12. Carcello, J., D. Hermanson, T. Neal, and R. Riley. (2002). "Board characteristics and audit fees."
13. **Contemporary Accounting Research** 19: 365–384.
14. DeFond, M. L., C.Y. Lim, and Y. Zang. (2012). "Client Conservatism and Auditor-Client Contracting." Working paper, University of Southern California.
15. Duellmans, S. (2006). Evidence on the role of accounting conservatism and corporate governance, North Dakota State University, North, Dakota.
16. Gao, P. (2013). "A measurement approach to conservatism and earnings management". **Journal of Accounting & Economics** 55: 251–268.
17. Garsia, J, M., Garsia, O, B, and Mora, A. (2005). "The effect of earnings management on the asymmetric timeliness of earnings", **Journal of Business Finance and Accounting** 34:691-726.
18. Garsia, O, B., Gore, P, and Pope, P, F. (2007). "Audit fees, non-audit fees and the conditional conservatism of earnings". <http://www.ssrn.com>.
19. Garcia Lara, J. M., B. Garcia Osma, and F. Penalva. (2009). "Accounting conservatism and corporate governance". **Review of Accounting Studies** 14: 161–201.
20. Hay, D., W. R. Knechel, and H. Ling. (2008). "Evidence on the impact of internal control and corporate governance on audit fees". **International Journal of Auditing** 12: 9–24.
21. Heninger, W. G. (2001). "The association between auditor litigation and abnormal accruals". **The Accounting Review** 76 (1): 111–126.
22. Joo, A, H.(2009). "Association between Board Characteristics and Accounting Conservatism: Empirica Evidence from Malaysia", <http://www.ssrn.com>.
23. Khan, M., and R. L. Watts. (2009). "Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism". **Journal of Accounting & Economics** 48: 132–150.
24. Lee, Hye Seung (Grace), Xu Li, and Heibatollah Sami. (2015). "Conditional Conservatism and Audit Fees". **Accounting Horizons** 29 (1): 83–113.
25. Rittenberg, L. E., K. Johnstone, and A. Gramling. (2012). "Auditing, 8th edition. Cincinnati", OH: SouthWestern College Publishing.
26. Sankaraguruswamy, S., and S. Whisenant. (2004). "Pricing Initial Audit Engagements: Empirical Evidence Following Public Disclosure of Audit Fees". Working paper, University of Houston.
27. Seetharaman, A., F. Gul, and S. Lynn. (2002). "Litigation risk and audit fees: Evidence from U.K. firms crosslisted on U.S. markets". **Journal of Accounting & Economics** 33 (February): 91–115.
28. Simunic, D. (1980). "The pricing of audit services: Theory and evidence". **Journal of Accounting Research** 18 (1): 161–190.
29. Sonu, C.H. (2014). "The effect of Conditional Conservatism on Audit Fees". **Korean Accounting Review** 39(1): 313-339.

30. Watts, R. L. (2003). "Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications". **Accounting Horizons** 17 (3): 207–221.
31. Watts, R. L, and Zimmerman, J.L. (1986). **Positive Accounting Theory**. Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ.
32. Zhang, J. (2008). "The contracting benefits of accounting conservatism to lenders and borrowers". **Journal of Accounting & Economics** 45: 27–54.



The Impact of Conditional Conservatism and the Corporate Governance Quality in Reducing Litigation Risks and Audit Fees

Gholamreza Kordestani (PhD)¹

Associate Professor of Accounting, Imam Khomeini international University, Qazvin, Iran

Mostafa Abdi (PhD)² ©

Assistant Prof, Accounting, Rozbeh University, Zanjan, Iran

Mahdi Kazemi Olum (PhD)³

Assistant Prof, Accounting (Inviting Lecture), Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

(Received: 1 July 2017; Accepted: 23 December 2017)

Audit fees raises By increasing litigation risks. Conditional conservatism reduces litigation risks and thereby has the negative impact on audit fees. In fact, both conservatively reporting and corporate governance are involved in reducing the uncertainty and their relationship is alternative, so whatever companies have weaker corporate governance, use more conservatism on their reporting. To reduce their risk. In this study, first, the relationship between Conditional conservatism and audit fees has been examined and then the effect of corporate governance on the relationship between conditional conservatism and audit fees have been investigated. For this purpose 1496 year- firm observations of companies listed on the Tehran Stock Exchange were analyzed. The findings shows that conditional conservatism is negatively correlated with audit fees and stronger Corporate governance undermines this negative effect. In fact, firms with stronger corporate governance, conservatism has less important role in reducing audit fees.

Keywords: Audit Fees, Conditional Conservatism, Corporate Governance, Litigation Risk.

¹ kordestani@soc.ikiu.ac.ir

² abdi.accounting@yahoo.com © (Corresponding Author)

³ mkolum1361@gmail.com